



# کور باطنان

آنان که دست رد به رخ ما نهاده اند بر ما زبان طعن و ملامت گشاده اند

ظاهر شود چو پرده برافتد ز روی کار کایشان نه داد مردی و انصاف داده اند



عزم سفر به عالم دل کرده اند لیک در ره فتاده بلکه ز راه

اوفتاده اند

اول چو سیل رفته فروشان و کف زنان و آخر میان ره چو ریگ

ایستاده اند

اعیان عالمند ولی کور باطنند بر شکل آدمند ولی دیو زاده اند

در عرصه بی عمی و جهالت دو اسبه اند در شاهراه دانش و بینش پیاده اند

جامی ز جام مسن بتان باده فور چه باکی گر منکران نه واقف ازین جام و باده اند